یادداشت روز

# مراقب فریب جنگ روانی دشمن باشیم!

**از صبح روز جمعه چند خبر در صفحات مجازی در حال بازنشر است که در آن ادعا شده دیپلمات‌های سفارتخانه‌های چند کشور اروپایی مستقر در تهران در حال ترک کشور هستند که از اساس این خبرها کذب است. در راستای همین خبر دروغ، چند سایت خبری نشان‌دار همسو با پهلوی و نتانیاهو در اینستاگرام که در جنگ ۱۲ روزه، جاده صاف‌کن و پیاده‌نظام سربازان اسرائیل و یار دوازدهم کاخ سفید برای عملیات نظامی علیه کشورمان بودند، شایعاتی مبنی بر حمله قریب‌الوقوع به ایران را به موازات مدعای خروج دیپلمات‌های چند کشور اروپایی با هدف التهاب‌آفرینی در جامعه ایران دامن زدند.اما مرجع گزاره‌های این اخبار کذب را در کجا باید جست‌وجو کرد و چرا با وجود آرامش در جامعه یکپارچه و متحد ایران، آنها دست به انتشار این اخبار فیک و عملیات روانی علیه ملت ایران می‌زنند. به این دو گزاره خبری که مبنای این اخبار و شایعات بوده، توجه کنید:**

**۱- وزارت خارجه آمریکا هشـــدار درجه ۴ بـــرای ایران صادر کرد و گفت؛ هم‌اکنون هر فردی که قصد سفر به ایران را دارد، باید در تصمیم خود تجدیدنظر کند. تکرار می‌کنیم؛ شهروندان ایالات متحده نباید به ایران سفر کنید!**

**این هشدار درحالی است که تا پیش از جنگ ۱۲ روزه به‌ندرت شاهد سفر آمریکایی‌ها به ایران بودیم و حتی شـــهروندان ایرانی دارای تابعیت آمریکا هم به ســـهولت نمی‌توانستند به ایران سفر کنند چراکه با مشکل تهیه ویزا مواجه بودند. لذا بعضا با سفر به کشور ثالث خانواده‌های خود را ملاقات می‌کردند و پس از بازگشت هم با ســـؤالات زیاد پلیس آمریکا مواجه می‌شدند. به طریق اولی، پس از جنگ ۱۲ روزه و آن جنایت بزرگ آمریکا در حمله به مراکز هســـته‌ای کشورمان، شـــرایط آمدن همین شهروندان دوتابعیتی به ایران با ممانعت‌هایی از ســـوی مقامات آمریکایی روبه‌رو بوده است. بنابراین؛ اصل این هشدار و منع کردن سفر به ایران، در این شرایط نمی‌تواند موضوعیتی داشته باشد. مگر اینکه با این حرکت، آمریکایی‌ها می‌خواهند یک عملیات روانی سنگین و نوعی وحشت از قریب‌الوقوع بودن جنگ را تداعی کنند و شکســـتی که در جنگ ۱۲ روزه از ثبات قدم ملت ایران در دفاع از کشورشان خوردند را جبران کنند.**

**۲- رژیم صهیونیستی به وابستگان خود در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان ابلاغ کرده که تولید محتوا درباره نزدیک بودن حمله به ایران را تشدید کنند و با ادبیات سخیفی همچون اظهارات وزیر دفاع اسرائیل که گفته؛ در حمله‌ای که نزدیک است هیچ نقطه امنی در ایران باقی نخواهد ماند، به‌دنبال اعتباربخشی به تهدیدات توخالی خود هستند. یاوه‌گویی‌هایی که عمدتا مرجع تولید آن شبکه فاســـد «اسرائیل اینترنشنال» و رسانه‌های وابسته به پهلوی است. در حالی که همه می‌دانند ضربه‌ای که صهیونیست‌ها در جنگ ۱۲ روزه خوردند کمر آنها را شکســـت و به این زودی‌ها قابل ترمیم نیست و در صورت اقدامی دیگر، مرگ خود را رقم خواهند زد.**

**آیا در این گزاره‌ها و جنگ روانی دشمن علیه ملت ایران، فقط باید استناد به اظهارات مقامات آمریکایی، رژیم صهیونیستی و یک مشت سرسپرده و مزدور پهلوی و رســـانه‌های وابسته به آنها کرد یا اروپا یک پای ثابت این جریان است. دراین باره می‌توان گفت:**

**- ترونیکای اروپا (فرانسه، آلمان و انگلیس) در حالی بعد از جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیســـتی و آمریکا و البته دفاع جانانه ملت ایران، خواهان مذاکره با ایران شدند و در مذاکرات استانبول در سوم مردادماه جاری شرکت کردند که همزمان کشورمان با تهدید «مکانیسم ماشه» مواجه بود. در همین ارتباط، «ژان نوئل بارو»، وزیر خارجه فرانسه چند روز پیش در سخنانی به مناسبت دهمین سالگرد توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام که در سال ۲۰۱۵ منعقد شده بود، در سخنانی تهدیدآمیز گفته بود «اگر هیچ توافقی با ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش تا پایان ماه اوت (نهم شهریور) حاصل نشود، مکانیسم ماشه فعال خواهد شد و پاریس بار دیگر تحریم‌های جهانی علیه ایران را اعمال خواهد کرد.» این مقام فرانسوی مدعی شـــده بود: «ایران پایبندی‌هایی را که ۱۰ ســـال پیش در طول مذاکرات هسته‌ای متعهد شده بود، نقض کرده است؛ از این‌رو فرانسه و شرکایش حق دارند بار دیگر تحریم‌های جهانی را بر تسلیحات، حوزه بانکی و تجهیزات هسته‌ای که ۱۰ سال پیش آنها را ما برداشتیم، اعمال کند.»**

**در حالی شاهد اظهارات این مقام فرانسوی هستیم که برجامی که در سال ۱۳۹۵ به امضا رسیده بود حاصل چند سال مذاکره با همین کشورها بوده است و کشوری هم که توافقنامه برجام را زیر پا گذاشت و از آن خارج شد، آمریکای ترامپ بود و اگر قرار اســـت کشوری تاوان برهم زدن این توافقنامه را بدهد این آمریکاست که یک توافق بین‌المللی را نقض کرده است. سؤال اینجاست؛ اکنون که قرار است از مهره‌ام بخشی از محدودیت‌های برجامی از جمله خرید و فروش تسلیحات برای ایران آزاد شود آن‌هم در شرایطی که رژیم صهیونیستی و آمریکا به کشورمان حمله کرده و آمریکا مراکز هسته‌ای کشورمان را به تعبیر خودشان نابود کرده، چرا باید به یکباره، بحث« مکانیسم ماشه» برای ایران مطرح شود. این در حالی است که اگر قرار بر تنبیه باشد این آمریکاست که باید توسط دیگر اعضای برجام و از جمله همین سه کشور اروپایی تنبیه شود.**

**اکنون ملت ایران از خود می‌پرسد چرا باید به کشورهایی که چنین رفتاری دارند و پای میز مذاکره، سخن از مکانیســـم ماشه و تهدید ایران به بازگشت تحریم‌های شورای امنیت و سازمان ملل می‌کنند، اعتماد کند. یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌اعتمادی ایران به اروپا، وابستگی راهبردی اروپا به آمریکاست. پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ (اردیبهشت ۱۳۹۸)، این سه کشور اروپایی به‌رغم اعتراض‌های لفظی، نتوانستند یا بهتر است گفته شود نخواستند تعهدات اقتصادی خود را در رابطه با برجام اجرا کنند. «اینستکس» سازوکاری که مثلا اروپا برای حفظ روابط اقتصادی با ایران راه‌اندازی کرده بود، عملا بی‌اثر باقی ماند و درواقع، این ســـازوکار برای ایران «پروژه‌ای نمادین و بی‌خاصیت» بود. در دهه ۹۰ اروپـــا نه‌تنها از تحریم‌های آمریکا پیـــروی کرد، بلکه برخی کشورها نظیر فرانسه و آلمان در طراحی و اجرای تحریم‌های مالی و بانکی علیه ایران پیشگام بودند. کشورهای اروپایی علی‌رغم شعارهای «چندجانبه‌گرایی» و «استقلال اســـتراتژیک»، در بسیاری از پرونده‌های بین‌المللی مانند موضوع هسته‌ای ایران، عملاً دنباله‌رو سیاست‌های واشنگتن هستند. این مسئله باعث شـــده است تا تحلیل‌گران ایرانی، اروپا را فاقد اراده سیاسی واقعی برای توافق مستقل و پایدار بدانند.**

**دوگانگی در گفتار و رفتار اروپایی‌ها از جمله مواردی است که نمی‌توان به این سه کشور اعتماد کرد. اروپا در ظاهر از دیپلماسی دفاع می‌کند، اما در عمل، در موضوعاتی چون تحریم‌ها، برنامه موشکی و نقش منطقه‌ای ایران، به‌طور هماهنگ با آمریکا عمل کرده و مواضع متناقض را از خود بروز می‌دهد. رفتار اخیر آنها در همین مذاکراتی که در استانبول انجام شد و اظهارات غلط وزیر خارجه فرانسه که همزمان ایران را تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه کرد از همین جنس رفتار متناقض اعتمادسوزی است که اعتماد ایران را سلب کرده است.**

**نکته مهم دیگر اینکه کشورهای اروپایی غالبا از لابی‌های صدایرانی نظیر منافقین تاثیر می‌پذیرند. این لابی‌ها در پارلمان‌ها و رســـانه‌های اروپایی نفوذ بالایی دارند و همواره تصویر منفی از ایران را ترسیم می‌کنند. بنابراین اروپا از نگاه ایران به عنوان یک «بازیگر ثانویه» در ساختار قدرت جهانی دیده می‌شود که فاقد اراده و توان لازم برای اجرای توافق‌های راهبردی است. تجربیات تلخ گذشته، سیاســـت‌های دوگانه و تبعیت از آمریکا، چهره‌ای بی‌ثبات و غیرقابل اعتماد از اروپا در ذهن ملت ایران ساخته است. در این صورت، باید گفت؛ چنین اروپایی به هیچ وجه قابل اعتماد نیست و اظهارات سخیف وزیر خارجه فرانسه در تهدید ایران به استفاده از مکانیسم ماشه، تاییدی بر این بی‌اعتمادی است.**

**آنچه مهم است اینکه در مقطع حاضر نباید فریب جنگ روانی - رسانه‌ای دشمن را خورد. آنچه دشمن در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران پس از دفاع مقدس ۱۲ روزه دنبال می‌کند نه شروع یک جنگ واقعی دیگر، و نه رسیدن به توافقی در مذاکره با اروپاست، بلکه غرب اعم از آمریکا و اروپا با هماهنگی رژیم کودک‌کش صهیونیســـتی به‌دنبال برهم زدن ثبات و آرامش در جامعه متحد و یکپارچه ایران هستند تا با تهدیدنمایی، جامعه پیوسته و متحد ایران را دچار بی‌ثباتی و به‌هم ریختگی کنند تا شاید از بستر آن، چیزی که در مواجهه نظامی نتوانستند کسب کنند را به دست آورند. توصیه اندیشکده «واشنگتن» به آمریکا و اسرائیل گویای این واقعیت آشکار است.این اندیشکده اخیرا در توصیه‌ای به آمریکا و اسرائیل در قبال ایران گفته است: «آمریکا و اسرائیل باید یک «کمپین نفوذ چندرســـانه‌ای آرام» در ایران راه‌اندازی کنند تـــا بحث داخلی در مورد سلاح‌های هسته‌ای را شکل دهند. این کمپین باید خطراتی را که دنبال کردن زرادخانه هسته‌ای برای ملت ایران ایجاد می‌کند را برجسته کند». این توصیه را اگر از نگاه جنگ شناختی غرب علیه ایران هسته‌ای مورد بررسی قرار دهیم، در خواهیم یافت که آنها در این جنگ شـــناختی و این توصیه، چهار هدف کلان را دنبال می‌کند؛ ۱- مسئله‌سازی ۲- مقصرسازی ۳- پیامدسازی ۴- راهکارسازی.**

**به عنوان نمونه؛ این روزها که کشـــور با برخـــی ناترازی‌ها در بخش انرژی و آب مواجه اســـت، رسانه‌های دشمن مســـئله اول مردم ایران را ناترازی آب، بـــرق و گاز معرفی می‌کنند و مقصر آن را نه تحریم‌ها، بلکه حکومت می‌دانند و سیاست هسته‌ای و منطقه‌ای ایران و دنبال کردن برنامه موشکی ایران را عامل این ناترازی‌ها دانســـته و کلامی هم از تحریم‌های این ۴۶ سال علیه ملت ایران نمی‌گویند. در نتیجه این صغری و کبری چیدن‌ها، پیامد چنین وضعیتی را نابودی زندگی مردم، فلاکت و بدبختی آنها تحلیل و تفسیر می‌کنند و راهکار آن را دست کشیدن از برنامه هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران پیشنهاد می‌کنند و حتی با وقاحت تمام، راهکار نهائی را تغییر رژیم از طریق اعتراضات اجتماعی می‌دانند تا شـــاید کاری که نتوانستند با جنگ ۱۲ روزه و تسلیم ملت ایران به آن برسند را با کمپین‌ســـازی رسانه‌ای و به‌هم ریختگی اجتماعی به‌دست آورند. پروژه‌ای که بارها در ســـال‌های گذشته به آن متوسل شده و با پاسخ دندان‌شکن ملت با بصیرت ایران مواجه شده‌اند. در این شرایط، باید به‌شدت مراقب فریب این جنگ روانی و شناختی دشمن باشیم تا به یاری پروردگار از این پیچ سخت تاریخی به سلامت عبور کنیم و دشمن را در رسیدن به آرزوهای واهی خود ناامید سازیم.**

**حسن رشوند**

عراقچی:

# کمتر ملت‌هایی همچون ایران و ژاپن عمق تأثیرات سلاح‌های کشتار جمعی را درک کرده‌اند

**وزیر امور خارجه در یادداشتی در یک روزنامه ژاپنی نوشـــت: ایران و ژاپن بایـــد رهبری یک جنبش جهانی برای نابودی کامل سلاح‌های کشـــتار جمعی اعم از اتمی، شـــیمیایی و بیولوژیکی را بر عهده بگیرند.**

ســـیدعباس عراقچـــی وزیر امور خارجه در آستانه هشتادمین سالگرد بمباران اتمی هیروشـــیما و ناکازاکی یادداشتی در روزنامه آساهی شیمبون با عنوان اینکه «ایران و ژاپن پیشگامان جنبش جهانی خلع ســـلاح شـــوند»، نوشت.

وزیر امور خارجه در این یادداشت نوشت: «ایران و ژاپن باید رهبری یک جنبـــش جهانی برای نابـــودی کامل تمام سلاح‌های کشتار جمعی- اتمی، شـــیمیایی و بیولوژیکی- را بر عهده بگیرند.»

وی خاطرنشان کرد که ایران نیز همچـــون ژاپن، رنج و درد ناشـــی از سلاح‌های کشتار جمعی را تجربه کرده است، چرا که در جریان جنگ با عراق در دهه ۱۹۸۰ هدف حملات شیمیایی قرار گرفت. وزیر خارجه بمباران اتمی شـــهرهای ژاپن در ۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵ را «گواهی بر قدرت ویرانگر سلاح‌های هسته‌ای» خواند.

عراقچـــی افـــزود: «بســـیاری از بازماندگان هنوز با زخم‌های جســـمی و روانی زندگی می‌کنند که گذر زمان نتوانســـته آن‌ها را درمـــان کند. آنان زندگی خود را در سایه آن انفجارهای هســـته‌ای گذرانده‌اند و رنج خود را به تلاش خستگی‌ناپذیر برای صلح و خلع سلاح تبدیل کرده‌اند.»

رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین در واکنش بـــه اظهارات دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در نشست سران ناتو درباره حمله به سه سایت هسته‌ای ایران و مقایسه آن با بمباران هیروشیما و ناکازاکـــی مبنی بر اینکه «آن حمله جنـــگ را پایـــان داد. نمی‌خواهم از هیروشـــیما و ناکازاکی مثال بزنم، اما اساســـاً همان اتفاق بود. آن جنگ هم با همان حملـــه پایان یافت.»، در این یادداشت نوشـــت: «این اظهارات تنها یک اشتباه تاریخی نبود، بلکه توهینی عمیق به یاد و خاطره کشته‌شـــدگان و کرامـــت بازماندگانی بـــود که هنوز بـــا پیامدهـــای آن بمباران‌ها زندگی می‌کنند. در ایران، این مقایسه با درد و خشم عمیقی مورد توجه واقع شد.»

وزیر امور خارجه یادآور شـــد که در سال ۱۹۸۷، در جریان جنگ ایران و عراق، شهر سردشت در شمال غرب ایـــران هدف حمله شـــیمیایی با گاز خـــردل قرار گرفت، حملـــه‌ای که به کشته شـــدن ۱۳۰ نفر و مجروحیت و معلولیت دائمی هزاران نفر انجامید. «ایـــران در تاریخ معاصـــر خود از آثار ســـلاح‌های کشـــتار جمعی رنج برده است.»

به گزارش فارس، عراقچی افزود: «ملت‌هـــای کمی هســـتند که مانند ما، عمق تأثیرات غیرقابل بازگشـــت سلاح‌های کشتار جمعی را درک کرده باشـــند. ما باید صدای جمعی خود را بلند کنیم و بگوییم: هرگز دوباره چنین چیزی نباید تکرار شود.»

**عراقچی: دوستی ایران و پاکستان سرمایه‌ای راهبردی برای آینده است**

عراقچی همزمان با ســـفر مسعود پزشـــکیان رئیس‌جمهور به اسلام‌آباد در مقالـــه‌ای در روزنامـــه نیوز چاپ پاکستان با عنوان «آینده‌ای مشترک» به تشریح ابعاد مختلف مناسبات ایران و پاکستان و فرصت‌های پیش روی دو کشور پرداخت.

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور روز شنبه یازدهم مردادماه در سفر رسمی دوجانبه و برای نخســـتین بار پس از تصدی این سمت راهی پاکستان شد.

**ایران و پاکستان می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در آینده منطقه ایفا کنند**

سیدعباس عراقچی در این مقاله یکی از اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اســـلامی ایران را گسترش روابطـــی قـــوی، باثبـــات و مبتنی بر منافع متقابل با کشـــورهای همسایه خوانده است.

رئیـــس دســـتگاه دیپلماســـی می‌افزایـــد: در این چارچـــوب، روابط ما با پاکســـتان جایگاهـــی ویژه دارد، رابطه‌ای که تنهـــا بر مبنای مجاورت جغرافیایـــی تعریف نمی‌شـــود، بلکه ریشه در قرن‌ها تجربه مشترک تمدنی، همسویی مذهبی، پیوندهای فرهنگی و منافع راهبردی هم‌گرا دارد. ایران و پاکستان به‌عنوان دو کشور مستقل که در نقطه‌ای راهبردی از قاره آسیا قرار گرفته‌اند، نه‌تنها می‌توانند از شراکتی پایدار سود ببرند، بلکه توان آن را دارند که نقشی تعیین‌کننده در آینده منطقه ایفا کنند.

در مقاله فوق عنوان شـــده است: ســـفر رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان به پاکستان، نماد این شتاب روزافزون در روابط دوجانبه اســـت. این سفر در ادامه تاریخچه‌ای از تعاملات سطح بالا، از جمله ســـفر تاریخی رئیس‌جمهور فقید، سید ابراهیم رئیسی، به اسلام‌آباد و سفر متقابل نخست‌وزیر شهباز شریف به تهران انجام می‌شود. این تبادلات و مشورت‌های دیپلماتیک مستمر میان مقامات عالی‌رتبه دو کشـــور، فراتر از مناسبات تشـــریفاتی هستند و نشان از همسویی راهبردی عمیقی دارند.

**ایران و پاکستان در حال ارتقای روابط به سطحی تأثیرگذار در معادلات منطقه**

عراقچی می‌افزاید: این روند نشان می‌دهد کـــه دو کشـــور آگاهانه و با نگاهی هدفمند، در حال ارتقای روابط خود به سطحی تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای هســـتند. ایران و پاکستان دارای مرزی ۹۰۰ کیلومتری هستند که صرفاً خطی برای جدایی دو کشور نیســـت، بلکه پلی اســـت که قرن‌ها ملـــل و تمدن‌ها را به هم متصل کرده اســـت. در این مـــرز، نه‌تنها کالا بلکه اندیشـــه‌ها، زبان‌ها، اشعار و باورهایی جریـــان یافته‌اند که تا امروز جوامع ما را سرزنده نگه داشته‌اند. از آیین نوروز تا سنت‌های مشـــترک صوفیانه، این پیوندهای فرهنگـــی و معنوی، حس اعتماد و آشـــنایی پایـــداری را پدید آورده‌اند که پایه‌ای برای همکاری‌های سیاسی محسوب می‌شود.

در این مقاله عنوان شـــده است: ایـــن پیوند بـــا نزدیکـــی مذهبی نیز تقویت می‌شـــود. ایران و پاکســـتان به‌عنوان دو ملت مســـلمان پرافتخار، بر اصول اسلامی چون عدالت، شفقت و همبستگی اســـتوارند. این ارزش‌ها نه‌تنها عامل انســـجام درونی‌اند، بلکه جهت‌دهنده رفتـــار بین‌المللی ما نیز هســـتند. همین ارزش‌هاست که ما را وادار می‌کند در حمایت از آرمان‌هایی چون مســـئله فلســـطین در کنار هم بایســـتیم، در برابر ظلم سکوت نکنیم و صلح را از مســـیر همکاری و احترام متقابل پیگیری کنیم.

**شراکت اقتصادی ایران و پاکستان**

وزیر امور خارجه می‌افزاید: از منظر اقتصادی نیز ظرفیت‌های مکمل بین دو کشـــور فرصت‌هایی بی‌نظیر ایجاد می‌کنـــد. پویایی بخش کشـــاورزی پاکســـتان و منابع غنی انرژی ایران، در کنار علاقه مشـــترک به گسترش زیرســـاخت‌های ارتباطـــی، زمینه‌ای طبیعی برای همگرایی اقتصادی فراهم کرده‌انـــد. علاوه بر این هماهنگی‌های بخشـــی، هر دو کشـــور به چشم‌انداز بلندمدتی برای ایجـــاد اقتصادی باز، عادلانه و وابســـته بـــه همکاری‌های منطقه‌ای باور دارند.

بـــه گفتـــه عراقچی با هم‌راســـتا کردن چشـــم‌اندازها، ایران و پاکستان می‌توانند شراکتی اقتصادی مبتنی بر تاب‌آوری متقابل، پیشرفت فناورانه و رشد فراگیر بنیان نهند، همکاری که می‌تواند تحولی واقعی در سطح زندگی مردم، ایجاد اشتغال و الگوسازی برای توســـعه‌ای منطقه‌ای و بومی داشـــته باشد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

# چی شده؟!

گفت: یســـرائیل کاتس، وزیر جنگ رژیم صهیونیســـتی قُمپز در کرده و گفته اســـت؛ در حمله بعدی ما به ایران، هیچ نقطه امنی باقی نخواهد ماند!

**گفتم: مردک چند روز پیش در مقابل ســـؤال نمایندگان کنســـت (پارلمان) رژیم صهیونیستی که از او درباره شکست بی‌سابقه اسرائیل در مقابل ایران سؤال کرده بودند (دور از جان خر) مثل خر توی گل مانده بود.**

گفت: به اعتراف روزنامه صهیونیســـتی معاریو؛ موشک‌های ایران، اســـرائیل را به ویرانه تبدیل کرده اســـت و به نوشته سی‌ان‌ان؛ ترس، هرج و مرج و اضطراب، خیابان‌های تل‌آویو را پر کرده، خیابان‌ها مملو از آوار اســـت، موشک‌های جدید ایران بســـیار دقیق عمل کردند و به گفته ترامپ در اجلاس ناتو؛ اسرائیل به شدت آسیب دیده و به سختی می‌تواند ادامه بدهد و روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد؛ اسرائیلی‌ها از رگبار موشک‌های ایران فلج شده‌اند و از وحشت به خود می‌لرزند و....

**گفتم: یارو که رفته بود دزدی از پشـــت‌بام افتاده بود و در حال مرگ بود. عده‌ای دورش جمع شدند و پرسیدند؛ چی شده؟! همدستش گفت؛ چیزی نیست فقط یک کمی مُرده!**

وزارت امور خارجه:

# راه شهید هنیه تا رهایی فلسطین از یوغ اشغالگران ادامه می‌یابد

**وزارت امور خارجه در سالگرد شهید هنیه با تاکید بر عزم ایران برای اعمال قاطعانـــه حق ذاتی دفـــاع در برابر تجـــاوزات رژیم صهیونیستی، خواستار اقدام عملی و مؤثر برای کمک‌رسانی به مردم مظلوم غـــزه و جلوگیری از ادامه کشتار جمعی ملت فلسطین شد.**

وزارت امـــور خارجـــه جمهوری اسلامی ایران به مناسبت اولین سالگرد ترور شهید اسماعیل هنیه رئیس شهید دفتر سیاســـی حماس توســـط رژیم صهیونیستی بیانیه‌ای صادر کرد.

در این بیانیه آمده است: یک سال از شهادت مجاهد نستوه شیخ اسماعیل هنیـــه، رئیس دفتر سیاســـی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و از رهبران برجسته جهاد و مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست می‌گذرد.

**جنایتی عظیم و نقض فاحش اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل**

در این بیانیه عنوان شـــده است: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران یاد و خاطره آن شـــهید بزرگ و یار دیرین شهید حاج قاسم سلیمانی را گرامی داشته و مراتب تبریک و تسلیت خود را به مقـــام معظم رهبری، ملت مقاوم فلسطین، خانواده شهید هنیه، جنبـــش حماس و تمامـــی گروه‌های مقاومت در فلســـطین و منطقه و همه آزادگان جهان تقدیـــم کرده و تأکید می‌کنـــد که راه شـــهید هنیه و دیگر شهدای مقاومت تا رهایی مردم مظلوم فلسطین از یوغ اشـــغالگران و تحقق حق تعیین سرنوشـــت آنهـــا با قدرت ادامه خواهد یافت. این بیانیه می‌افزاید: ترور شـــهید اسماعیل هنیه در تهران، در حالی که او مهمان رســـمی مراسم تحلیف رئیس‌جمهور پزشـــکیان بود، جنایتی عظیم و نقض فاحش اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل، حاکمیت ملی و تمامیت ســـرزمینی جمهوری اســـلامی ایران بود. شـــهید اسماعیل هنیه دهم مردادماه ۱۴۰۳ و بامداد روز بعد از مراسم تحلیف مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم توســـط رژیم صهیونیستی به شهادت رسید.

**مشروعیت مبارزه مردم فلسطین**

در بیانیـــه مذکـــور آمده اســـت: جمهوری اســـلامی ایران بـــا تاکید بر مشروعیت مبارزه مردم فلسطین برای احقاق حـــق تعیین سرنوشـــت علیه اشغالگری و آپارتاید حاکم بر سرزمین تاریخی فلسطین، کشـــتار نخبگان و رهبران مردم فلســـطین را بخشی از طرح شرورانه رژیم اشغالگر برای امحای اســـتعماری مردم فلسطین می‌داند و بر ضرورت پایان دادن به بی‌کیفرمانی جنایتـــکاران و محاکمه و مجازات آنها تاکید دارد.

**آشکار شدن ماهیت تروریستی و جنایتکارانه رژیم صهیونیستی**

ایـــن بیانیه می‌افزاید: با گذشـــت یک سال از جنایت رژیم صهیونیستی در ترور شیخ اســـماعیل هنیه، امروز بیش از هر زمانی ماهیت تروریستی و جنایتکارانه این رژیم بر همگان آشکار شده است.

در بیانیـــه مذکـــور آمده اســـت: استمرار حمایت همه‌جانبه تسلیحاتی و سیاســـی آمریکا و برخـــی دیگر از کشـــورهای غربی از این رژیم، آنها را تبدیل به همدستان و شرکای جنایات ارتکابی کرده و مســـتوجب مسئولیت بین‌المللی آنها به‌خاطر نسل‌کشـــی و جنایات جنگی رژیم صهیونیستی است.

در این بیانیه عنوان شـــده است: جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر عزم خود برای اعمال قاطعانه حق ذاتی دفاع در برابر تجاوزات رژیم صهیونیســـتی، مسئولیت همه دولت‌ها برای مقابله با نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه و توقف نسل‌کشـــی را خاطرنشان کرده و خواســـتار اقدام عملـــی و مؤثر برای کمک‌رســـانی به مـــردم مظلوم غزه و جلوگیری از ادامه کشتار جمعی ملت فلسطین است.

خبر ویژه

## خودفریبی اصلاح‌طلبان موجب شد به نام مذاکره، جنگ را بر سر کشور بکشانند

وب‌سایت رجانیوز ضمن طرح پرسش فوق نوشت: طیف مدعی اصلاح‌طلبی برای سه دهه چنان در رسای مذاکره، گفتمان‌سازی و رویافروشی کرد، ایده «مذاکره برای بقا» پس از سه دهه، به ایستگاه آخر خود رسیده است: جنگ. این همان نقطه‌ای است که طیف مذکور، با سابقه‌ای طولانی در دمیدن بر تنور تنش‌زدایـــی، همواره از آن به عنوان عاقبتِ عدم مذاکره یاد می‌کرد و رقبای خود را با آن می‌ترســـاند. ایده مذکور هرچند با جنگ اخیر منسوخ شد اما از پشتوانه تاریخی طویلی در دولت‌های هاشمی، خاتمی و روحانی بهره‌مند بود.

اولین سراب خوش‌بینی، دوران سازندگی بود هاشمی رفسنجانی، همکاری در پـــروژه «آزادی جنازه گروگان‌هـــای آمریکایی در لبنان» را روزنه‌ای برای عادی‌ســـازی روابط خود با غرب می‌دید اما هنگامی که گروگان‌ها با وساطت ایران آزاد شـــدند، آمریکا زیر تمام وعده‌هایش زد. آرزوهای دولت سازندگی برای «آزادی پول‌های بلوکه‌شده» و «سرمایه‌گذاری غرب با چراغ سبز آمریکا» نقش بر آب شد.

دومیـــن بدعهدی غرب، در پایان مذاکرات ســـعدآباد به دولت اصلاحات برخورد کرد. در این مذاکرات، با دســـتور مســـتقیم رئیس‌جمهور وقت مبنی بر لزوم «جلوگیری از شکســـت مذاکرات تحت هر شـــرایطی»، ایران تعلیق کامل فعالیت‌های هســـته‌ای را پذیرفت. در این بازی، ترونیکای اروپایی نقش «پلیس خوب» را ایفا می‌کرد و خود را مخالف سیاســـت‌های آمریکا نشـــان می‌داد تا مســـئولان ایرانی را مجاب کند که با این توافق، از ارجاع پرونده به شـــورای امنیت جلوگیری خواهند کرد. نتیجه اما یک عقب‌نشـــینی تاریخی بود. توافق‌نامه ســـعدآباد و پروتکل الحاقی، امتیازاتی بود که حسن روحانی، مســـئولیت اعطای آن را برعهده گرفته بود. همین حاتم‌بخشی نیز نتوانست جلوی صدور قطعنامه از سوی شورای حکام را بگیرد. با این حال اما، شورای حکام درنهایت شـــدیدترین قطعنامه را علیه ایران صادر و کشور را در آستانه ارجاع به شورای امنیت قرار داد.

ســـومین و مهم‌ترین شکست جریان سازش، در توافق برجام به اوج خود رســـید. دولت یازدهم تمام مســـائل اقتصادی و معیشتی کشور را به توافق با آمریکا گره زده بود. حســـن روحانی در روز توافق وعده داد: «تمام تحریم‌ها بالمره (یکباره) لغو خواهد شد و نه تعلیق». دولت او برای اثبات حسن نیت، بدون دریافت هیچ ضمانت اجرایی، تمامی تعهدات ایران را یکطرفه اجرا کرد. نتیجـــه قابل پیش‌بینی بود: آمریکا نه‌تنها تحریم‌ها را لغو نکرد، بلکه با خروج یکجانبه از برجام، سیاســـت «فشار حداکثری» را کلید زد. بزرگترین خسارت این اعتماد بیجا، تحمیل ســـازوکار خطرناک «مکانیسم ماشه» بود. بندی که به هر عضـــو ۱+۵ اجازه می‌دهد تنها با یک ادعا، تمام تحریم‌های بین‌المللی را بدون حق وتو علیه ایران بازگرداند.

ســـوال اینجاست که پس از این همه تجربه شکست‌خورده، چرا سندروم سازش‌طلبی هنوز در میان بخشی از سیاسیون مقبولیت دارد؟ مگر نه اینکه مذاکره برای «لغو تحریم» و «جلوگیری از جنگ» تجویز می‌شـــد؟ حال که در ســـناریوی فرضی وقوع جنگ، هـــم جنگیده‌ایم، هم تحریم‌ها باقی‌مانده و هم در خطر بازگشت ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار گرفته‌ایم، این شهوت مذاکره دیگر چه محلی از اعراب دارد؟

پاســـخ را باید در خود این جریان جستجو کرد. آنها برای سه دهه چنان درباره مذاکره، گفتمان‌ســـازی و رویافروشـــی کرد که بـــه چاه توهمات خود افتادند. غلبه این رویکرد ســـبب شد تا گفتار منجی‌مآبانه «مذاکره» به وحی مُنزل و ملکه ذهن آنان تبدیل شود. چشم‌پوشی از طراحی «پلن B» و حتی فکر کردن به راه‌حل جایگزین، باعث شـــده تا دولتی که با این تفکر روی کار می‌آید، در برابر شکست راهبرد اصلی خود، کاملاً خلع سلاح باشد.

## چرا افراطیون مدعی اصلاحات با فیک‌نیوزها گره خورده‌اند؟

لایحه قضائی که علیه فیک‌نیوزهاست چرا باید برخی مدعیان اصلاحات را سرآسیمه و نگران کند؟

روزنامه وطن امروز در پاســـخ به این ســـؤال نوشت: در دوران پساجنگ، بمب‌ها جای خود را به بازنشرهای بی‌منبع، توئیت‌های بی‌هویت و کلیپ‌های گمراه‌کننده داده‌اند. وقتی یک شایعه در کمتر از چند ساعت، اقتصاد را دچار نوسان می‌کند و یا یک ویدئوی ساختگی، افکار عمومی را تحریک می‌کند، دیگر نمی‌توان به بهانه «آزادی بیان»، «مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای» را نادیده گرفت.

آنچه انکارناپذیر اســـت، حجم گسترده و روزافزون اخبار جعلی، اطلاعات غلط و فریبکاری رسانه‌ای است که نه‌صرفاً در لایه‌های سیاسی، بلکه در بافت روزمره زندگی شهروندان نفوذ کرده و آرامش روانی آنان را نشانه گرفته است.

در ایران، فضای مجازی به بستری بی‌ضابطه برای انتشار، تشدید و بازتولید اخبار جعلی بدل شده است؛ بستری که زندگی همه مردم را در معرض تهدید قرار داده است. فضای مجازی رها شده است. از شایعه تا تحلیل‌نما، از کلیپ‌های تقطیع‌شده تا بولتن‌های دست‌ساز کانال‌های ناشناس؛ همه در یک زیست‌بوم رسانه‌ای رها شده، در حال تبدیل شدن به بحرانند.

مخالفان لایحه، در مواضع پُررنگ رســـانه‌ای خود ۲ ادعای اصلی را تکرار کردند:

۱- این لایحه، آزادی بیان را تهدید می‌کند.

۲- تعریـــف محتوای خلاف واقع مبهم اســـت و منجر بـــه برخوردهای سلیقه‌ای می‌شود.

بررســـی همه انتقادات نشان می‌دهد مطلقاً استدلال درستی در مخالفت با این رایحه مطرح نشده است. لایحه با تصریح بر «عالمانه و عامدانه بودن» نشـــر محتوای خلاف واقع، مرز میان خطا و جرم را روشـــن کرده و با تعیین آستانه ۹۰ هزار دنبال‌کننده، فعالیت‌های روزمره کاربران عادی یا رسانه‌های محلی را عملاً مستثنا کرده است.

بسیاری از مخالفان لایحه، خواسته یا ناخواسته دچار مغالطه آزادی بیان به‌مثابه آزادی اتهام‌زنی شـــده‌اند. آنها از یکســـو بر شفافیت تأکید دارند اما از ســـوی دیگر، خود را از هرگونه الزام به ســـند و دقت مبرا می‌دانند. بحران، بحران مسئولیت است.

چـــرا باید فیک‌نیوزهـــا با قطعیت دربـــاره آن دروغ بگویند؟ کاملاً واضح اســـت که هیچ حرف منطقی ندارند و متأسفانه تصویر ترحم‌برانگیزی نسبت به خود ایجاد کرده‌اند.

پرسش راهبردی این است: «چه کسانی از بی‌قانونی فضای مجازی سود می‌برند؟» لایحه پیشنهادی، خط پایان ساختار فعلی عدم پاسخگویی در فضای مجازی را ترســـیم می‌کند. این فضا، طی سال‌